

## روز شمار

دوشنبه

۱۳۵۸/۲/۲۴

۱۷ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۱۴ مه ۱۹۷۹

۸۴

در ادامه جلسه شب گذشته فرمانداری خرمشهر که با شرکت روسای سازمان‌های انتظامی و سایر مسئولان شهر و سران جمعیت‌ها و جریان‌های مختلف شهر اعم از عشایر و غیر آن تشکیل شده بود، به دنبال ۸ ساعت مذاکره و تبادل نظر با طرف‌های درگیر در حادثه کانون فرهنگی - نظامی، در ساعت چهار بامداد امروز افرادی که سازمان موسوم به خلق عرب دستگیر کرده بود، آزاد شدند و مجروحان به بیمارستان انتقال یافتند. (۱) در مورد این جلسه و دلایل تشکیل و نتایج آن، آقای علوی فرماندار خرمشهر گفت: «در پاسخ به اعلامیه‌ای که در آن به آیت الله آل شبیرخاقانی اهانت شده است، عصر دیروز یک راهپیمایی به پشتیبانی از آیت الله خاقانی انجام شد و راهپیمایان خلق عرب پس از خاتمه راهپیمایی هنگامی که از مقابل ساختمان کانون فرهنگی - نظامی و کمیته انتظامات می‌گذشتند، مبادرت به شلیک گلوله کردند و با حمله به ساختمان‌ها، اعضای این کانون و کمیته انتظامات را خلع سلاح و ساختمان‌ها را به آتش کشیدند. این گروه مانع مهار آتش توسط آتش نشانان شدند و حتی به سرگرد "حجازی" رئیس شهربانی خرمشهر اجازه بررسی و رایزنی در خصوص این واقعه را ندادند. در این واقعه ۱۲ نفر مجروح شده‌اند که حال یکی از آنها وخیم گزارش شده است. همچنین اعضای سازمان خلق عرب ۱۶ تن از اعضای کانون فرهنگی - نظامی را دستگیر و در سازمان خود به گروگان گرفته‌اند. من پس از ورود به خرمشهر در جلسه‌ای با حضور ناخدانوابی فرمانده پایگاه دریایی، سرگرد ترابی فرمانده پادگان دژ، سرگرد حجازی رئیس شهربانی، ناخدا خوشنام، بازرس استانداری و جمعی از روحانیون و سران عشایر عرب شرکت کردم. در این جلسه توافق‌هایی صورت گرفت که براساس آن، گروگان‌های مذکور آزاد شدند. در مورد عاملین واقعه نیز فعلا نمی‌توانم اظهار نظر دقیق کنم.» (۲)

از سوی دیگر، صرف آنچه از جلسه مزبور حاصل شد (آزادی کسانی که سازمان سیاسی خلق عرب دستگیر کرده بود، از جمله محمد جهان آرا از مسئولان کانون فرهنگی - نظامی)

نمی توانست برای نیروهای مذهبی و مردم مسلمان خرمشهر راضی کننده باشد. از نظر نیروهای مذهبی می بایست اقداماتی اساسی در حل ریشه‌ای مسئله صورت می گرفت. بنابراین از صبح امروز عده‌ای از مردم مسلمان خرمشهر در فرمانداری متحصن شدند و اینان با انتشار قطع‌نامه‌ای چنین اعلام کردند: ۱ - ما حمله وحشیانه گروهی تحریک شده را به کانون فرهنگی - نظامی و ستاد و همچنین تعرض به جان و مال مردم بی سلاح خرمشهر را شدید محکوم می کنیم. ۲ - ما خواستار مجازات کلیه مسببین واقعه دیروز هستیم. ۳ - ما از مقام مسئول فرمانداری خرمشهر مصر خواستاریم تا نسبت به این گونه اعمال واکنش نشان دهد. ۴ - ما ضمن تایید مبارزات بر حق برادران عرب خود، مصر از آنها می خواهیم که کلیه عناصر منافق و کمونیست‌های خائن را از خود دور کنند. ۵ - ما از دولت جمهوری اسلامی می خواهیم برای جمع آوری تمام اسلحه‌هایی که در دست افراد غیرمسئول است، اقدام قاطع به عمل آورد. ۶ - ما ضمن تایید تمام انتخابات امام خمینی، تنفر خود را از کسانی که در هر لباسی به این گونه اشخاص حمله می کنند، اعلام می کنیم. ۷ - ما هرگونه تهمت به کانون فرهنگی - نظامی خرمشهر که از افرادی خالص و با ایمان تشکیل شده را محکوم می کنیم. ۸ - ما از مقام مسئول فرمانداری می خواهیم که تا هر چه زودتر تمام کمیته‌ها اعم از عرب و عجم را منحل کند. ۹ - ما از مقام مسئول فرمانداری می خواهیم که امنیت شهر را به دست ماموران انتظامی دولت جمهوری اسلامی بسپارند. ۱۰ - از آن جا که شهر ما خرمشهر فاقد یک مقام مسئول مذهبی است، از مقام رهبر انقلاب امام خمینی مصر تقاضا می کنیم که نسبت به اعزام یک مرجع مسئول مذهبی در خرمشهر اقدام عاجل به عمل آورند. « (۳)

## ۸۵

در پی حوادث خرمشهر، مدنی استاندار خوزستان پیش از ظهر امروز وارد خرمشهر شد و در جلسه تأمین فوق العاده این شهر شرکت کرد. در این جلسه که با حضور علوی فرماندار، جمعی از روحانیان و فرماندهان ارتش و ... تشکیل شد، ابتدا گودرزی بازپرس انقلاب اسلامی خرمشهر از استاندار تقاضا کرد به ماجراجویی محرکان وقایع این شهر خاتمه داده شود. سپس یکی از روحانیان شادگان گفت: «عده‌ای معلوم الحال در خرمشهر دست به تحریکاتی زده‌اند و به این شهر اسلحه و پول به میزان قابل توجه وارد می شود و در یک شب در خرمشهر ۱۴ میلیون تومان روی یک محموله اسلحه معامله می شود. پریشب در خرمشهر با کلاشینکف تیراندازی شد و این وظیفه دولت است که در شهر امنیت برقرار کند.» پس از آن مدنی طی سخنانی گفت: همه اقوام ایران در لوای پرچم جمهوری اسلامی یکسان هستند. ما بارها به عواملی که در خوزستان تحریک می کنند هشدار داده‌ایم که متأسفانه هنوز به راه خود ادامه می دهند. من در همین جا اعلام می کنم که از امروز همه کانون‌ها و کمیته‌های خرمشهر منحل شده و دیگر وجود نخواهند داشت و کمیته‌های دیگر شهرهای استان نیز بزودی منحل خواهد شد. مدنی ضمن حمله به تجزیه طلبان گفت: اجازه نخواهیم داد استعمار قدرت خود را در خوزستان اعمال کند و

ما هرگونه تجزیه طلبی را بشدت درهم می کوبیم . وی افزود : اگر شهربانی ما ضعیف است ، مردم باید داوطلبانه آن را حمایت کنند . من از هیچ تهدیدی واهمه ندارم و برخلاف آنچه که عده‌ای شایع می کنند ، ضد عرب نیستم . ما هر نوع تجاوز به مرزهای ایران و یا نغمه‌های شوم تجزیه طلبی را شدید نیست و نابود خواهیم کرد . وی افزود : در مورد انحلال کانون‌ها و کمیته‌های خرمشهر و خوزستان با آیت الله شبیرخاقانی مذاکراتی انجام خواهیم داد و با دولت نیز در این زمینه صحبت خواهد شد . (۴)

پس از خاتمه جلسه شورای تامین شهر ، تیمسار مدنی با آیت الله شبیرخاقانی در اقامتگاه وی ملاقات کرد . در این ملاقات ، بین استاندار و شبیرخاقانی در مورد حمله به کانون فرهنگی نظامی خرمشهر و ساختمان کمیته انتظامات و نیز درباره انحلال کانون‌ها و کمیته‌های خوزستان مذاکره شد و توافق‌هایی صورت گرفت . فرزند شیخ شبیر در این باره گفت : « طی این مذاکرات مقرر گردید حقوق تمام طبقات اعم از فارس و عرب بر طبق ضوابط شرعی و اسلامی مراعات و تامین گردد . همچنین توافق شد که دولت ، خلق عرب را در اداره امور خوزستان مشارکت دهد . سپس موافقت شد که کلیه امور انتظامی و غیره زیر نظر دولت و توسط سازمان‌های دولتی و انتظامی انجام گیرد و افراد غیر مسئول حق دخالت در کارها را نداشته باشند . توافق شد که افراد سازمان سیاسی خلق مسلمان عرب اسلحه‌های خود را تحویل دهند . همچنین در مورد نحوه عمل دادگاه‌های خوزستان که بایستی طبق ضوابط شرعی و موازین اسلامی انجام شود ، مذاکراتی شد . « سخن گوی شبیرخاقانی افزود : « تنها ، سازمان سیاسی خلق مسلمان عرب همچنان به فعالیت و وظایف خود ادامه خواهد داد و کلیه کانون‌های عربی و غیرعربی خوزستان منحل می شود ... در توافق بین استاندار و آیت الله قرار شد از سه شنبه ۵۸/۲/۲۵ کانون‌های نظامی و فرهنگی خرمشهر و کانون فرهنگی خلق عرب و سایر کانون‌ها در شادگان ، سوسنگرد ، دشت آزادگان و اهواز منحل گردد . « به نوشته روزنامه اطلاعات در پایان شبیرخاقانی خواستار انتقال افرادی شد که باعث نارضایتی مردم شده‌اند که استاندار با این موضوع موافقت کرد . (۵)

۸۶

در ساعت ۸ شب ، زمانی که استاندار و همراهان در منزل آیت الله شبیرخاقانی در حال مذاکره بودند ، شهربانی خرمشهر مورد حمله قرار گرفت و خلع سلاح شد . حمله کنندگان به شهربانی از افسر نگهبان خواستند اسلحه‌ها را به آنها تحویل دهد ولی چون وی از این کار خودداری کرد . وی را خلع سلاح کردند و ۱۲ قبضه اسلحه کمری و مقداری فشنگ را با خود بردند . جریان بلافاصله به سرگرد حجازی رئیس شهربانی - که در معیت استاندار بود - اطلاع داده شد و وی موضوع را با شبیرخاقانی در میان گذاشت و او دستورهایی را برای پی گیری علل حادثه داد . در پی این جریان ، همان شب عده‌ای به شهربانی مراجعه کردند و ۴ قبضه از سلاح‌ها را با خود آوردند اما رئیس شهربانی از تحویل گرفتن آنها خودداری کرد و گفت همه اسلحه‌ها را یکجا باید بیاورید و به

علاوه مسببان این واقعه نیز باید تحویل شهربانی شوند. (۶)

۸۷

کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر با صدور اعلامیه‌ای از شیخ شبیرخاقانی خواست تا موضع خود را در مورد مندرجات روزنامه کیهان و اطلاعات به نقل از ایشان مبنی بر این که کانون فرهنگی - نظامی متشکل از افرادی است که وابسته به بیگانگان هستند و مردم را تحریک می‌کنند و یا این که اعضای کانون نفاق افکن، تحریک کننده مردم، ایجادکننده بلوا، عمال خودفروخته و نوکران استعمار هستند، مشخص سازد. (۷)

علاوه بر این، کانون مذکور دو بیانیه نیز در ارتباط با حوادث خرمشهر و انعکاس آن در مطبوعات انتشار داد. در بیانیه شماره ۱ آمده است:

« بسم الله القاصم المتکبرین . مردم دلیر و بیدار خرمشهر ، توطئه‌ها را کشف و عاملان آنها را افشا کنیم . مردم خرمشهر و نیز مردم خوزستان از خود می‌پرسند چه کسانی یا چه کسی می‌خواهد اتحاد مقدس و لایزال مردم مسلمان عرب و عجم این شهر را به تفرقه و نفاق بکشاند . ما سال‌های زیادی را در این شهر در کنار هم زندگی کردیم ، با یکدیگر معامله نمودیم ، ازدواج کردیم و ... تا کنون سخنی از عرب یا عجم نشنیده بودیم ، این نغمه‌های شوم که به گوش می‌رسد از کجاست ؟

چه کسی می‌فریبد ؟ چه کسی تحریک می‌کند و دستور حمله به کانون مردمی و تنها مدافع حقوق مردم را صادر می‌کند ؟ کانون چیست ، چه می‌کند یا چه می‌کند ، اعضای آن چه کسانی بودند ، مردم در مورد آنها چه می‌گویند و ... ؟ کانون را باید مردم بگویند چیست ؛ از مردم ، از آنانی که اعضای آن را از ۵ الی ۱۰ سال پیش در این شهر می‌شناسند ، باید پرسید ؛ از آنانی که سیاه‌ترین سال‌های اختناق شاهد فعالیت پی‌گیر اعضای کانون در گروه‌ها ، سازمان‌های مخفی انقلابی چون منصورون ، ارتش انقلابی خلق مسلمان ، و ... بودند . مردم فرزندان راستین خود را بخوبی می‌شناسند ، می‌شناسند و می‌دانند که چگونه ساواکی‌ها ، مزدوران و استثمارگران را دستگیر کردند ، به دهات و روستاها رفتند ، به خرابه‌ها و بیغوله‌های شهر رفتند و برای مستضعفین و یاریشان ، از مردم کمک خواستند . محصلین ، کانون و اعضای آن را می‌شناسند ، آنان با نمونه کارهای فکری اسلامی کانون آشنایند و در کلاس هایش شرکت نمودند و ... »

در بیانیه ، تحت عنوان “ خلاصه‌ای از آنچه که دیروز ( ۵۸/۳/۲۳ ) گذشت “ ، “ زمینه‌های تحریکات قبلی “ به تفصیل بازگو شده است که مهمترین نکات مورد اشاره به قرار زیر است :

- سخنرانی‌های آقای شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی که طی آن به کانون و کمیته و دولت و مسئولان و مدنی صریح حمله کرده و همه را با هم به عنوان دشمنان حقوق از دست رفته مردم تلقی نمود .

- امریکایی خواندن مدنی و مسئولان در سخنرانی تحریک آمیز قبل از یورش و نیز ذکر این که تمام ناراحتی‌ها و تشنج‌ها و اختلاف افکنی‌ها زیر سر کانون است .

در بیانیه اضافه شده است که شاید ناراحتی ایشان از کانون به دلایل زیر می‌باشد :

– دفاع همیشگی کانون به همراه مردم مسلمان خرمشهر از انتصابات امام خمینی ( از آن جمله مدنی ) .

– انعکاس خواست مردم از طرف کانون در مورد تشکیل مجدد دادگاه‌های انقلاب که با نقطه نظرات ایشان مبنی بر عفو ، مغایرت دارد .

– تلاش پی گیر و فعال اعضای کانون و مردم شهر در مورد رسیدگی به وضع مستضعفین از طریق امکانات دولت و تاکید همیشگی بر اتحاد و جذب بیشترین عناصر صدیق عرب و عجم .

– ایشان هر نوع اعتراض مردم حتی سوال کردن آنها را به عنوان توطئه کانون می‌بیند یا شاید برای ایشان چنین وانمود می‌کنند .

در ادامه بیانیه درباره یورش ، چنین آمده است : « پس از سخنرانی ۲۵ دقیقه‌ای آقای شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی که دقیق ۱۵ دقیقه آن صریح یا به کنایه در مورد توطئه‌های کانون و این که « کانون اجازه نمی‌دهد حقوق از دست رفته‌تان را به شما بدهند » بود ، عده‌ای تقریب ۳۰ الی ۵۰ نفر از عمال شناخته شده - که ما در فرصت‌های آینده آنان را افشا خواهیم کرد - به طرف کانون و ستاد پاسداران انقلاب آمدند . در آن جا به ستاد پاسداران حمله ور شدند و رگبار مسلسل را به سوی پاسداران گشودند . پاسداران از درگیری خودداری کردند و به بالای ساختمان ستاد رفتند . آنان پس از مضراب کردن چند پاسدار - که حال یک نفر آنان وخیم است - ستاد را از پایین با وسایل آتش زنا که از قبل تهیه دیده بودند به آتش کشیدند . پاسداران که بالای ساختمان مستقر بودند تنها برای رو شدن دست توطئه گران ، اسلحه‌ها را زمین گذاشته تسلیم شدند و ساختمان ستاد پاسداران فروریخت . زندانیان آن جا را که سه ساواکی بودند با احترام خاصی پذیرایی کردند و پاسداران دستگیرشده را طی ۵ ساعت زیر شدیدترین ضرب و جرح ها قرار دادند ! آنها همچنین به ساختمان کانون فرهنگی - نظامی یورش برده ، پرونده‌ها را سوزاندند - که در میان آنها صدها پرونده وام بیکاران بود - و ساختمان فرو ریخت که پس از فرو ریختن با کف زدن و هورا کشیدن ، فتح خود را به هم شادباش گفتند ! از زندانیان - که ۱۵ نفر از برادران پاسدار و اعضای کانون بودند - پس از بازجویی و گرفتن تعهد مبنی بر این که دیگر در فعالیت‌های کمیته یا کانونی شرکت نکنند ، آزاد شدند ، بجز دو نفر از برادران که تنها به علت عجم بودن ، ساعت‌ها به گروگان گرفتند و حتی محل آنان را نیز نگفتند ، دیگر برادران زندانی شده همه عرب بودند و اصولاً تمام پاسداران و ۷۰٪ اعضای کانون ، عرب بودند و این نشان دهنده وحدت راستین و همیشگی عرب و عجم است . ( ۸ )

بیانیه شماره ۲ نیز به قرار زیر است :

« بسم الله رب المستضعفین . اصلاح خبر درج شده در کیهان : روزنامه کیهان شماره ۱۰۷۰۶ منتشره در تاریخ ۵۸/۳/۲۴ در صفحه ۸ خبری با عنوان “ زد و خورد در خرمشهر ” چاپ کرد . ما ( کانون فرهنگی - نظامی ) طی این بیانیه مواردی از خبر منتشره را اصلاح کرده و خبرنگار این

روزنامه را نسبت به درج خبر اصلاح شده موظف می‌دانیم .

۱- در عنوان ، نوشته بودید : “ زد و خورد مسلحانه در خرمشهر ” و نیز در آغاز گزارش خبر از درگیری و برخورد داده و در متن خبر آورده بودید : « قصد راهپیمایان رفتن به سازمان سیاسی خلق عرب بوده است و هنگامی که از کنار ستاد پاسداران و کانون فرهنگی - نظامی می‌گذشتند ، درگیری پیش آمده است . » در زمان واقعه شما کجا بودید ؟ آیا در مسجد امام صادق بودید و بعد از سخنرانی آقای شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی فرموده‌های ایشان مبنی بر وابسته بودن اعضای کانون به بیگانگان و این که کانون مردم را تحریک می‌کند را شما در گزارشتان آورده‌اید ؟ آیا ندیدید و نشنیدید که عده‌ای شناخته شده در مسجد یکصدا نعره می‌زدند : “ فلیسقط الکانون ” ( پس کانون را باید نابود و ساقط کرد ) ؟ آیا ندیدید که همان عده سوار بر ماشین‌هایشان با رگبار مسلسل سرعت خود را به طرف ستاد پاسداران و کانون فرهنگی - نظامی رساندند ؟ آیا چگونه آنچه که مردم خرمشهر خود شاهد و ناظرش بودند و به خاطر آن متحصن شدند ، بازار و ادارات را تعطیل نمودند ، انکار کردید ؟ شما حتی عکس آن را گزارش داده‌اید ! در کانون فرهنگی - نظامی تنها سه نفر نگهبان غیر مسلح بودند ، زیرا که اعضا و برادران بخوبی آگاه از توطئه تکرار وقایع گذشته خرمشهر و وقایعی همچون نقده و گنبد و سنندج بودند . از این رو برادران سلاح‌های خود را قبلا از کانون خارج کرده و اکثر از محل مورد یورش مرتجعین وابسته به سازمان به اصطلاح سیاسی خلق عرب خود را دور ساختند . اما برادران پاسدار مستقر در سپاه پاسداران تصور کردند که قصد مهاجمین تحریک شده تنها یورش به کانون است زیرا که از مسجد امام صادق تا خیابان امام خمینی یکصدا شعار کانون باید نابود گردد ، می‌دادند . از طرفی با وجود ۳ تن از مزدوران ساواک ( بحری ، گودرزیان ، فرامرزی ) در زندان ستاد پاسداران ، چند تن از پاسداران مسلح مامور نگهبانی از زندانیان بودند ، آنها نیز در موقع یورش باز برای نشان دادن صداقت و آگاهی شان به بالای ستاد رفته تا بهانه‌ای به دست مرتجعین تحریک شده سازمان به اصطلاح سیاسی خلق عرب خوزستان ندهند . جیب سواران که یکصدا نعره می‌کشیدند : « کانون باید نابود شود . کانون عجم‌ها باید نابود شود . » به ساختمان ستاد پاسداران و سپس به کانون یورش بردند . آیا این یک زد و خورد مسلحانه متقابل بود . ؟ ! آیا از کنار ساختمان‌های ستاد و کانون می‌گذشتند ؟ ! با یورش وحشیانه ؟ !!!

۲ - روزنامه محترم کیهان ! خبرنگار شما در گزارش آورده که آقای شیخ به دستگیری دو تن از بازرگانان معروف خرمشهر اعتراض کرده‌اند . اما چرا نام آنها یا گوشه‌ای از جنایاتی که سال‌های متمادی به مردم مستضعف و کارگران محروم کرده‌اند ذکر می‌شود . آقای کارون را خبرنگار شما باید بخوبی بشناسند و آقای هریرام بود ، این استثمارگری که از خون مردم این شهر خود را رنگین می‌ساخت ( و می‌سازد ) ، دستگیری این دو تن یکی از صدها فعالیت و اقدام کانون در جهت بهبود وضع کارگران و تصفیه عناصر ضدانقلابی بود .

۳ - در خبر منتشره آمده است که « درگیری مسلحانه آغاز شده ، به طوری که در زمان کوتاه دو

ساختمان مقر سازمان‌های مزبور ( کانون و ستاد ) طعمه حریق شد و اثاثیه و اموال ضبط شده عمال رژیم سابق که در این ساختمان‌ها نگه‌داری می‌شد بکلی سوخت . « شما روزنامه محترم و نیز خبرنگاران از خود نمی‌پرسید چگونه دو ساختمان طعمه حریق شد ؟ شاید جرقه‌ای آسمانی به ساختمان‌ها اصابت کرده و یا اتصال برق و یا ... ! و آیا مواد آتش‌زا و نارنجک‌های روسی را ندیدید ؟ و نیز شما سخنی از ضرب و جرح‌ها و شکنجه‌هایی که از ساعت ۱۵ : ۳۰ الی ۱ نیمه شب و در مورد دو تن از برادران تا ساعت ۳ نیمه شب [ اعمال شد ] سخنی به میان نیاوردید ؛ از فحاشی‌ها و ...

۴ - اما در آخرین پاراگراف آورده‌اید که « این گروه ( متحصنین ) سپس در منزل آیت الله خاقانی اجتماع کردند و خواهان اعلام نظر ایشان ... » آیا چنین بوده است !! ؟ ... آیا ماده ۱۰ قطع‌نامه مردم متحصن را نخواندید یا در ده‌ها بار قرائت حضور نداشتید که مردم از امام به علت عدم وجود مرجعی مذهبی مسئول خواستار فرستادن یک مرجع مسئول مذهبی شده‌اند ؟ (۹)

۸۸

سازمان سیاسی خلق عرب در یک اقدام سیاسی - تبلیغاتی برای خنثی کردن فشارهای موجود ، دخالت در حمله به کانون فرهنگی - نظامی را به طور تلویحی رد کرد . عبدالصاحب موسوی اصیل سخن‌گوی این سازمان در این باره گفت : « ما نیز سرگرم بررسی علل این واقعه هستیم و معتقدیم که عاملین ماجرا باید مجازات شوند . » (۱۰)

۸۹

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی حمله به کانون فرهنگی - نظامی را محکوم کرد . سازمان مذکور با انتشار اطلاعیه شماره ۹ خود اعلام کرد : « یورش خصمانه به کانون فرهنگی - نظامی خرمشهر و ستاد کمیته را که با آتش‌سوزی و تخریب همراه بود و عده‌ای زخمی در پی آورده ، بشدت محکوم می‌کنیم و از ارگان‌های اجرایی امام خواستار رسیدگی فوری و شناسایی دست‌های پنهان پشت پرده این حادثه ضدانقلابی هستیم . » (۱۱)

۹۰

آیت الله لاهوتی که با عده‌ای از مسئولان سپاه به خوزستان سفر کرده است اعلام کرد که سپاه در خوزستان تشکیل خواهد شد و او و همراهانش برای همین امر به اهواز آمده‌اند . او همچنین بر این که وظیفه سپاه حفظ و نگه‌داری دستاوردهای انقلاب است ، تاکید کرد . (۱۲)

۹۱

عزالدین حسینی در تهران طی یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن بیان علت سفر خود به تهران و اهداف آن ، درباره آوارگان حوادث نرده نیز مطالبی عنوان کرد . وی گفت : اصولاً مسافرت ما به دعوت وزیر کشور بوده و برای ملاقات با امام خمینی و آیت الله طالقانی و بعضی مقامات دولتی به تهران آمده‌ایم . هدف از این مسافرت تفاهم بیشتر میان جامعه روحانیت اهل تسنن و تشیع در سطح اعلاّی روحانیت با حضرت امام خمینی است . بحث و تبادل نظر در سطح کلی



عزالدین حسینی - هنگام مصاحبه مطبوعاتی در تهران

خواهد بود و البته مقدمه‌ای خواهد بود برای مذاکرات بعدی .

وی افزود مسئله خودمختاری مسئله‌ای است برای ملت کرد که سال‌های متمادی است در پی به دست آوردن آن مبارزه می‌کند و شهدای بسیاری در این راه داده است . تکرار می‌کنم این مسئله مربوط به خلق کرد در چارچوب ایران است و همه ملت کرد با ایدئولوژی‌های متفاوت خواستار این حق مشروع و طبیعی است و این تنها من نیستم ، این تمام ملت کرد است که خواستار این حق مشروع و طبیعی خود می‌باشد و باید در سطح وسیعی پیرامون آن مذاکره بشود و از راه بحث و گفت و گو حل بشود و هدف این مسافرت هم باز نمودن بیشتر راه مذاکره و تفاهم می‌باشد . این مسئله به هیچ وجه بوی تجزیه یا جدایی از ایران نمی‌دهد بلکه ما در چارچوب ایران حق مشروع خود را می‌خواهیم .

شیخ عزالدین حسینی درباره رقم ۵۰۰۰۰ آواره در حوادث نرده و زندگی آنها گفت : این رقم کمی اغراق است ولی واقعیت این است که آوارگان وضع بغرنجی دارند ، در زیر چادر زندگی می‌کنند . جماعتی در اشنویه ، جماعتی در نرده و دیگر نقاط کردنشین و مردم زندگی اینها را تامین می‌کنند ، ولی نمی‌دانم روی چه اصلی دولت تا کنون به آنها توجهی نکرده است . ما تلاش می‌کنیم آنها را به جاهای اول خود بازگردانیم ولی به خاطر تشنج و ناامنی که در نرده موجود است هنوز موفق نشده‌ایم . اصولاً باید بگوییم این جنگ تحمیلی بین کرد و ترک در نرده محکوم است . به طور کلی جنگ زشت است آن هم بین دو برادر که سال‌ها در کنار هم بوده‌اند ما یک



هیئت حسن نیت فرستادیم ارومیه ولی به واسطه این که جماعت ضدانقلاب برهم زنی می کردند ، کارمان زیاد به ثمر نرسید . ( ۱۳ )

گفتنی است که وی در مصاحبه‌ای دیگر با خبرگزاری فرانسه با اشاره به مسئله خودمختاری اذعان کرد : « دولت ایران هنوز هیچ پاسخ جدی و نهایی به این گونه خواسته‌های اقلیت کرد نداده است . » ( ۱۴ )

## ۹۲

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر مطابق مشی عمومی گروه‌های ضدنظام مرتبط با مسائل کردستان ، خواستار اخراج « قیاده موقت » ( گروه بارزانی ) از ایران شد . این سازمان اعلام کرد : « باند قیاده موقت دست در دست مرتجعین محل با ترور و ارباب روستاییان کرد را به تنگ آورده‌اند . این میکروب‌های ویرانگر که در فاجعه نقده نیز بخوبی از عهده وظایف ضدانقلابی خود برآمدند ، به پشتیبانی عناصر مرتجع از جمله علامه مفتی‌زاده چندی است که عملیات ایدایی علیه خلق کرد به راه‌انداخته‌اند . » ( ۱۵ )

## ۹۳

روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران با تاکید بر تصفیه ارتش ، نوشت : « دوباره سازی ارتش ضدمردمی و ضد دمکراتیک به یک ارتش ملی و دمکراتیک از مهمترین وظایفی است که در برابر دولت جمهوری اسلامی قرار دارد ... مقدم بر همه ، تصفیه ارتش از عناصری که از سقوط رژیم دست نشانده پهلوی ناراضی اند ، می باشد . » این روزنامه در ادامه موضع حمایت و تایید ( از اقدامات نظام جدید درباره ارتش ) به نقل از ابراهیم یزدی نوشت : « وزارت دفاع ملی به شدت مشغول بررسی کلیه قراردادهای نظامی است تا آنهایی را که به نفع ما نیست ، تدریج لغو کند . » ( ۱۶ )

## ۹۴

امروز درباره وظایف و ماموریت‌های اصلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام شد که این سپاه با حرکت‌های ضدانقلابی داخل و خارج کشور حتی اگر از طرف ارتش و دولت باشد مقابله خواهد کرد . آیت الله حسن لاهوتی در این باره گفت : « وظیفه سپاه پاسداران انقلاب خنثی کردن هرگونه دسیسه و تحریک و حرکت ضدانقلابی ولو از داخل ارتش و دولت است . » وی افزود : « برای این که از این پس سرنوشت ما را در آن سوی اقیانوس ها تعیین نکنند ، سپاه پاسداران انقلاب به وجود آمد . » لاهوتی در بخش دیگری از سخنان خود گفت : « این امکان وجود دارد که در آینده و در صورت اجرای صحیح وظایف و هدف‌های پیش‌بینی شده ، گروهی از مشمولان در سپاه انقلاب خدمت کنند ، بدین معنی که عده‌ای به جای خدمت سربازی وارد سپاه انقلاب می‌شوند و بعد از پایان این دوران ، گروه تحقیق افراد واجد شرایط را از میان آنان دعوت به ادامه خدمت در سپاه انقلاب اسلامی می‌کنند . » وی اضافه کرد : « افراد سپاه پاسداران به هیچ وجه تفتیش عقاید و سانسور نخواهند کرد ولی در مقابل هر عقیده‌ای که منجر به حرکت ضدانقلابی باشد ساکت

نخواهند نشست . این سپاه از دو قسمت حرفه‌ای و آماتور تشکیل می‌شود و حرفه‌ای تمام وقت و آماتورها ساعات بی‌کاری را در خدمت سپاه خواهند بود . داشتن حداقل سیکل و صداقت و درستکاری و ایمان و نداشتن سابقه سوء ، از واجب‌ترین شرایط عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است . « لاهوتی افزود : « با فراگیر شدن سپاه پاسداران انقلاب که مجزا از ارتش ، شهربانی ، ژاندارمری و به صورت مستقل زیر نظر شورای انقلاب فعالیت می‌کنند ، گروهی از افراد کمیته‌های موجود جذب این سپاه می‌شوند و کمیته‌ها منحل خواهند شد . » ( ۱۷ )

۹۵

با شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ، یکی از مسائل عمده مطروحه این است که ایران به جنبش عدم تعهد می‌پیوندد . دکتر یزدی وزیر امور خارجه ایران در این باره گفت : « دولت موقت ایران در حال حاضر مسئله پیوستن ایران به جنبش عدم تعهد و شرکت هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سران کشورها و روسای غیرمتعهد در « هاوانا » را مورد بررسی قرار می‌دهد . » ( ۱۸ ) همچنین محمد مکری سفیر ایران در مسکو در این باره گفت : « ما هرگز اجازه نخواهیم داد که کشور ما در آینده دوباره به پایگاه نظامی و جاسوسی علیه اتحاد شوروی مبدل شود . ما می‌خواهیم غیرمتعهد باشیم و در اتحادهای نظامی که بر ضد کشور دیگری باشد ، شرکت نخواهیم کرد . » ( ۱۹ )

۹۶

سرهنگ سیدابوالقاسم محمدحسینی دادستان ارتش جمهوری اسلامی ایران در بخشنامه‌ای به کلیه دادستان‌های ارتش و واحدهای نظامی اعلام کرد : « نظامیانی که از این پس تحت تعقیب دادسرای انقلاب اسلامی ایران قرار می‌گیرند ، فقط با برگ جلب از سوی دادسرای انقلاب و با حضور نماینده دادستان ارتش ، به وسیله ماموران دژبان مرکز یا پادگان‌ها دستگیر خواهند شد و در زندان‌های دژبان نیز نگهداری می‌شوند . »

دادستان ارتش جمهوری اسلامی ایران امروز در این زمینه گفت : « با توجه به این که حضرت آیت الله العظمی امام خمینی در فرمانی تاکید کرده‌اند که ارتش ملی شده و به دامن اسلام برگشته است ، لذا ارتش لشکر اسلام محسوب می‌شود و تعرض به لشکر اسلام نیز تعرض به اسلام است . با توجه به این فرمان امام ، دادستانی ارتش با هماهنگی دادسرای انقلاب اسلامی ایران در مورد اتهامات نظامیان و دستگیری افراد ارتش ، نیروی دریایی ، نیروی هوایی ، نیروی زمینی ، شهربانی و ژاندارمری تصمیمات جدیدی اتخاذ کرده‌اند که از این پس به موقع اجرا گذاشته می‌شود . با توجه به این هماهنگی ، مراتب طی بخشنامه‌ای به کلیه دادستان‌های نظامی و واحدهای نظامی ابلاغ شده است که دقیق به مورد اجرا گذاشته شود . »

دادستان ارتش اضافه کرد : « آن دسته از نظامیانی که از سوی دادسرای انقلاب اسلامی ایران تحت تعقیب قرار می‌گیرند ، در صورت لزوم برای دستگیری آنها و یا بازرسی منازلشان ، از ماموران دژبان استفاده خواهد شد . برادران پاسدار و اعضای کمیته‌ها نباید مستقیم متعرض

نظامیان بشوند .

چون دیده شده در برخی موارد افراد مشکوک در مجاورت پادگان‌ها به شناسایی نظامیان می‌ایستند و بعد آنها را تعقیب می‌کنند و به صورت‌های مختلف حتی به شکل ربودن آنها مشکلاتی ایجاد می‌کنند که موجبات ناراحتی افراد نظامی و خانواده آنها و مسئولان پادگان‌ها می‌شود ، لذا برای جلوگیری از چنین مسائلی دادستانی ارتش با هماهنگی دادسرای انقلاب اسلامی ایران و دژبان پادگان مرکز تصمیم گرفت که هیچ فرد نظامی را پادگان‌ها به کسانی که برای دستگیری آنها مراجعه می‌کنند تحویل ندهند ، مگر آن که برای دستگیری آنها برگ جلب دادسرای انقلاب اسلامی صادر شده باشد و دستگیری نیز بایستی با حضور نماینده دادستان ارتش به وسیله ماموران دژبان صورت گیرد . «

به نوشته کیهان ، ضمن سرتیپ امیر رحیمی فرمانده دژبان مرکز که در تصمیمات جدید دادسرای انقلاب اسلامی و دادستانی ارتش هماهنگی داشته است ، طی نامه ایی پیشنهاد کرد که هنگام محاکمه افسران و پرسنل نظامی ، یک افسر قضایی مطلع که مورد تایید شورای عالی انقلاب باشد ، در دادگاه‌های انقلاب حضور یابد . (۲۰)

۹۷

حسن نزیه مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در یک گفت و گوی مطبوعاتی اعلام کرد : « اگر فکرعاجلی برای پاره‌ای مداخلات در جریانات روز مملکت نشود ، مشکلات روزبه روز بیشتر و نتیجه کار بدتر خواهد شد . « نزیه با تاکید بر ضرورت صدور دستور امام خمینی مبنی بر “ ترک تعقیب عمومی ” ، گفت : به موازات اعلام ترک تعقیب عمومی ، تشکیل هیئت منصفه پیشنهادی به نظر من باید کلیه قوای اجرایی خصوص از لحاظ قوه قضائیه و نیروهای انتظامی ، در دولت متمرکز گردد و جمیع کمیته‌ها و پاسداران انقلاب به نحوی تحت نظر دولت - مثلاً نخست وزیر ، وزارت کشور و یا وزارت دفاع و یا شهربانی - قرار بگیرند تا بدین طریق ضابطه و انضباطی در تمرکز قدرت و همچنین اعمال قدرت از جانب دولت پیدا شود و نگرانی‌هایی که بر اثر تشتت فعلی در



حسن نزیه

مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران

زمینه اختیارات و قوا در مملکت پیدا شده است ، مرتفع شود . بدین ترتیب با ایجاد تمرکز و وحدت قوا زمینه مساعدتری برای پیشبرد هدف‌های انقلاب و پیاده کردن برنامه‌های اساسی

مملکت فراهم آید .

در نیل سریع به این مقصود مناسب خواهد بود که از حضور امام خمینی تقاضا شود که ضمن اعلان ترک تعقیب عمومی ، از ناحیه رهبری انقلاب و دولت - طی بیانیه‌ای کلیه کارفرمایان صنعت و تجارت و کشاورزی به کار دعوت شوند و به آنان اطمینان داده شود که بدون تایید و تصویب هیئت منصفه پیشنهادی احدی در معرض تعقیب شتاب زده نخواهد بود و همچنین از کلیه کمیته‌ها درخواست شود که در امور اجرایی مداخله ننمایند و در حد مشاوره و همفکری - که از جانب افراد صالح و مومن به انقلاب همواره ارزنده و محترم خواهد بود - با دولت همکاری کنند ، بدیهی است زحمات و فداکاری‌های اعضای کمیته‌های انقلاب هرگز از خاطر ملت ایران فراموش نشده و نخواهد شد ولی نباید انکار کرد در هیچ سیستم حکومتی نمی‌تواند مسئولیت و اختیارات متشتت و متفرق و آشفته باشد . « (۲۱) »

۹۸

ابوالفتح بنی صدر دادستان کل کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی درباره لایحه عفو عمومی ، نحوه کار پاسداران و کمیته‌های انقلاب و قوانین جاری کشور اعلام نظر کرد . وی درباره لایحه عفو عمومی گفت : « این لایحه زیر نظر کارشناسان قضایی تهیه شده که تسلیم دولت شد تا پس از تصویب هیئت دولت با فرمان امام خمینی به اجرا گذاشته شود . در این لایحه تصریح شده که عفو عمومی شامل عاملین قتل و کشتار و کسانی که با شکنجه موجب قتل آزادی خواهان شده‌اند و همچنین اقدام کنندگان علیه استقلال کشور و توطئه گران علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران نخواهد شد . »

دادستان کل کشور درباره کمیته‌ها و نحوه کار پاسداران نیز گفت : « اکثر افرادی که در کمیته‌ها مشغول کار هستند ، مردمانی فداکار ، با ایمان و میهن پرست هستند و در میان آنها افراد معدودی دست به اقدامات خودسرانه می‌زنند و یا باعث ناراحتی مردم می‌گردند . با توجه به اقداماتی که از سوی دادگاه‌ها و دادرها و مسئولان کمیته‌ها به عمل آمده است ، کمیته‌ها از افراد ناباب تصفیه خواهند شد . البته ناگفته نماند مادام که نیروهای شهربانی و ژاندارمری به طور کامل مستقر نشده‌اند ، از وجود پاسداران برای حفظ امنیت شهرها استفاده خواهد شد و قرار است کمیته‌ها تحت نظر مستقیم دولت فعالیت داشته باشند . »

وی در مورد قوانین جاری مملکت گفت : « مادام که این قوانین از سوی شورای عالی انقلاب منسوخ نشده ، به قوت خود باقی است و مورد استفاده قرار می‌گیرد ، اما در مواردی که برخی از مواد آن با منافع و مصالح کشور منطبق نباشد ، تغییر خواهد کرد . » (۲۲)

۹۹

سفارت امریکا در تهران در گزارشی تحت عنوان “ کردها و مسکو ” با قید خیلی محرمانه و به شماره گزارش ۱۱۷۹ به تجزیه و تحلیل ناآرامی‌های کردستان ایران و نیز منافع و مواضع ترکیه ، عراق و بخصوص شوروی در این مورد ، پرداخته است . در این گزارش می‌خوانیم : « سقوط شاه از

اریکه قدرت، توازن سیاسی و نظامی را در ایران و خلیج از اساس تغییر داد و با این امر امید خودمختاری ملی بیشتر اگر نه استقلال را در میان کردهای ایران بارور ساخت. با بالا گرفتن بحران، آنها به طور فزاینده‌ای در تقاضاهایشان برای خودمختاری فعال و صریح شدند. انبارهای قابل توجه اسلحه و مهمات به دستشان افتاد و در واقع نیروهای امنیتی و ارتشی در مناطق کردنشین از فعالیت باز ماندند. در ماه مارس و آوریل [اسفند، فروردین و اریب‌هشت] در زد و خورد با حکومت مرکزی، کردها نشان دادند که دولت ایران هنوز آن قدر ضعیف است که قادر به اعمال قدرت واقعی بر کردهای ایران نیست و احتمالاً مجبور خواهد بود که امتیازاتی را در نظر بگیرد. مع هذا تاکنون کردها مدعی بودند که تنها طالب خودمختاری فرهنگی و مشارکت در امور روزانه خودشان هستند و استقلال نمی‌خواهند لیکن در عین حال ممکن است به انبار کردن اسلحه و مهمات بپردازند تا در صورتی که مقامات سیاسی به تقاضاهایشان پاسخ مثبت ندهند، یک جنگ چریکی گسترده را آغاز نمایند، مع هذا به علت نداشتن یک رهبر برجسته از فعالیت باز ماندند.

به سبب رویدادهای ایران، دولت‌های ترکیه و عراق نگران احیاء فعالیت کردها در کشورشان هستند. بعضی از ترک‌ها ادعا می‌کنند که کردهای ترکیه از جانب شوروی حمایت و مسلح می‌شوند و تلاش می‌کنند به منظور برپایی یک کردستان مستقل به رفقاییشان در ایران بپیوندند. مع هذا کردهای ترکیه جز در چند مورد ماجراجویی فردی نسبت به جنبش بارزانی در عراق حتی در خلال دوره‌های خودمختاری وسیع ترش واکنش نشان ندادند.

خط مشی رسمی عراق این است که مسئله کردها کهنه شده، زیرا با سیاست دولت بغداد مبنی بر استقرار و اعطای امتیازات اقتصادی به کردها، از بحران اوضاع کاسته شده است. سفارت آمریکا (دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد) معتقد است که عراقی‌ها صرف مشکلات را به امید از بین رفتن آن نادیده می‌گیرند. اخیر دولت بغداد سربازان بیشتری را به مناطق کردنشین اعزام داشته تا مرز با ایران را بسته و بر جریان امور نظارت دقیق داشته باشند.

اگر دولت ایران در اعمال کنترل بر مناطق دورافتاده ایران شکست بخورد و یا این که کشور به دامن یک جنگ داخلی و یا هرج و مرج سقوط کند، احتمالاً شوروی‌ها مایل به ارائه نوعی کمک مخفیانه خواهند بود، مع هذا این کار را صرف به خاطر افزایش نفوذشان در ایران به عنوان یک کل نه به عنوان ایجاد یک کردستان مستقل انجام خواهند داد؛ همان طور که در روزهای قبل از سقوط شاه ظاهر مسکو تشخیص می‌دهد سرمایه اصلی اش، حزب توده بسیار کوچک و ضعیف تر از آن است که بتواند به خودی خود یک نیروی عمده به شمار رود و اتحاد تاکتیکی با بعضی از گروه‌های ملی گرا از جمله کردها ممکن است معقول به نظر آید. « (۲۳)

۱۰۰

تحركات دیپلماتیک عراق نشان دهنده آن است که این رژیم، سیاست نزدیکی به کشورهای عرب منطقه را در پیش گرفته است؛ از جمله، خبرگزاری‌ها گزارش دادند: «طه یاسین رمضان نماینده

“احمد حسن البکر” رئیس جمهوری عراق و عضو شورای انقلاب این کشور برای دیداری از امارات متحده وارد ابوظبی شد. او خاطرنشان ساخت که برای مذاکره درباره آخرین تحولات منطقه به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سفر کرده است. نماینده ویژه البکر قبلا از کویت، عربستان، بحرین و قطر دیدن کرده بود. « (۲۴)

### منابع و ماخذ روزشمار ۵۸/۲/۲۴

- ۱ - روزنامه کیهان، ۵۸/۲/۲۶ ص ۷.
- ۲ - روزنامه اطلاعات، ۵۸/۲/۲۵ ص ۳.
- ۳ - سند شماره ۲۰۹۸۹۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، قطع نامه مردم مسلمان خرمشهر، ۵۸/۲/۲۴.
- ۴ - ماخذ شماره ۲، ص ۳.
- ۵ - ماخذ شماره ۲، ص ۱۲.
- ۶ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۶، ص ۷.
- ۷ - م. احمدی، امپریالیسم و خلق مستضعف خوزستان (بی جا، بی نا، بی تا) ص ۱۹.
- ۸ - سند شماره ۱۳۱۱۸۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بیانیه شماره ۱، کانون فرهنگی نظامی خرمشهر.
- ۹ - سند شماره ۲۰۹۸۹۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بیانیه شماره ۲، کانون فرهنگی نظامی خرمشهر.
- ۱۰ - ماخذ شماره ۲، ص ۳.
- ۱۱ - اطلاعیه شماره ۹، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۵۸/۲/۲۴.
- ۱۲ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۴، ص ۲.
- ۱۳ - ماخذ شماره ۲، ص ۲.
- ۱۴ - خبرگزاری پارس، “گزارش های ویژه” نشریه شماره ۵۲، ۵۸/۲/۲۵، ص ۶، خبرگزاری فرانسه.
- ۱۵ - نشریه پیکار ۵۸/۲/۲۴، ص ۴.
- ۱۶ - روزنامه مردم، ارگان حزب توده ایران، شماره ۱۳، ۵۸/۲/۲۴، ص ۶.
- ۱۷ - ماخذ شماره ۱۲، ص ۲ و روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۴، ص ۳.
- ۱۸ - ماخذ شماره ۱۴، ص ص ۱۶ - ۱۵، رادیو مسکو.
- ۱۹ - ماخذ شماره ۱۴، ص ۱۵، رادیو مسکو.
- ۲۰ - ماخذ شماره ۱۲، ص ۲.
- ۲۱ - ماخذ شماره ۱۲، ص ۴.
- ۲۲ - ماخذ شماره ۱۲، ص ۸.
- ۲۳ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳۱ کردستان ۱ (تهران: نشر لانه، جلد ۳۱، بی تا) ص ص ۱۴۵-۱۴۰.
- ۲۴ - ماخذ شماره ۱۷، ص ۸، خبرگزاری رویتر.